

و کارشناسانه این مسأله تشکیل داده است. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، ما نشان دادیم که در بحث هدفمندسازی یارانه‌ها نیاز به قانون داریم و در واقع همین موضوع باعث شد که از دولت تقاضای ارایه یک لایحه منسجم را داشته باشیم. لازم به ذکر است که بعد از ارایه لایحه مذکور از سوی دولت، مجلس کاری گسترده و کارشناسی شده روی آن صورت داد که نتیجه آن اعمال برخی تغییرات و تصویب کلیات لایحه بود.

بحث مدت و صندوق

افزایش مدت زمان اجرای طرح از ۳ سال - که دولت پیشنهاد داده بود - به ۵ سال از جمله تغییراتی بود که از سوی کمیسیون مذکور صورت گرفت که دلیل آن ملایم‌تر کردن شیب اجرای طرح و کاهش اثرات احتمالی ناشی از بروز یک شوک اقتصادی بوده است. آنچه در این میان اهمیت دارد این است که ما خواستیم دست دولت برای اجرای این طرح باز باشد، ولی در عین حال امکان نظارت از سوی مجلس، دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور بر آن پا برجای بماند. شروع طرح مذکور از سال ۸۹ خواهد بود و پیش‌بینی می‌شود مبلغی که در اثر اجرای طرح ایجاد شود بالغ بر ۸۰ هزار میلیارد تومان در سال پایانی برنامه گردد که ۵۰ درصد این مبلغ طبق برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته به همه خانوارهای کشور به تناسب وضعیت آنها، ۳۰ درصد به بخش تولید و ۲۰ درصد باقی مانده به کسری بودجه و هزینه‌های جدید دولت اختصاص خواهد یافت. موضوع دیگری که در این میان وجود دارد این است که دولت در پی راه‌اندازی صندوقی بود که منابع ایجاد شده از اجرای این طرح به آن صندوق واریز شود که مورد موافقت مجلس قرار نگرفت. مجلس این اقدام را خلاف اصول ۵۲ و ۵۳ قانون اساسی تشخیص داد و واریز مبالغ مذکور را به حساب خزانه‌داری ضروری دانست. نهایتاً مجلس قبول کرد که یک سازمان یا شرکت دولتی برای این منظور ایجاد شود و با تعریف یک اساسنامه ویژه برای آن، چارچوبی برای نحوه انتقال منابع مالی ذکر شده از حساب خزانه کشور به حساب این شرکت تعیین گردد. در واقع واریز منابع حاصل از اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها به حساب خزانه کشور در مرحله ابتدایی ضروری بوده و امکان نظارت بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات کماکان محفوظ می‌ماند.

به طور کلی، اجرای طرح مذکور کار بسیار بزرگی است که همکاری و حمایت همه مسئولین و کارشناسان کشور را می‌طلبد، چراکه وضعیت منابع کشور گویای این مطلب است که نمی‌توان تا چند سال دیگر این روند را ادامه داد. در صورت ادامه این روند به نقطه‌ای می‌رسیم که تمام تولید کشور در داخل مصرف می‌شود و حتی نیازمند واردات انرژی هم خواهیم شد. ■

هدفمندسازی یارانه‌ها، مماس با زندگی مردم

سخنرانی آقای غلامرضا مصباحی مقدم، رییس کمیسیون ویژه طرح تحول اقتصادی، در جلسه آبان ماه انجمن اقتصاددانان ایران



نیازمان به انواع انرژی‌های موجود در کشور، زمینه‌های ورود به مزیت‌های واقعی تولید و صادرات فراهم شود. اقتصاد ما اگر می‌خواهد یک اقتصاد شکوفا با بهره‌برداری بالا از سرمایه باشد، باید به سمت یک تحول حرکت کند که نقطه کلیدی این تحول، قیمت انرژی است.

همان‌طور که عنوان شد، هدف دوم هدفمندسازی، بحث مدیریت مصرف در کشور می‌باشد. از زمان انقلاب اسلامی تاکنون به طور متوسط ما سالانه ۸ درصد در زمینه مصرف انرژی در کشور رشد داشتیم که اگر این میزان رشد به طور عمده به سمت صنایع و تولیدات حرکت می‌کرد، جای نگرانی وجود نداشت. اما متأسفانه این حرکت بیشتر به سمت مصرف خانوارها بوده تا جایی که طبق آمار داخلی، بیش از ۵۰ درصد گاز در بخش خانوارها مصرف می‌شود. سال گذشته معادل ۸/۵ میلیارد دلار بنزین و گازوییل به کشور وارد شده که از این میزان ۹۰۰ میلیون دلار مربوط به گازوییل بوده است. علت این امر ارزان بودن بیش از حد انرژی در کشور است، چرا که هر چیزی که ارزان باشد، به نحو درست و صحیح قدر آن دانسته نمی‌شود.

هدف دیگری که در بحث هدفمندسازی ذکر شد، توزیع عادلانه یارانه‌ها می‌باشد. در واقع هم‌اکنون شاهد آن هستیم که یارانه‌های پرداختی لزوماً به اقشار مستحق جامعه نمی‌رسد و دهک دهم برخوردار جامعه ما به میزان ۳۰/۶ برابر دهک اول از یارانه‌ها استفاده می‌کند که غیرعادلانه می‌باشد.

مجلس شورای اسلامی از اصل لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها استقبال کرده و در این خصوص کمیسیون ویژه بررسی طرح تحول اقتصادی را جهت بررسی دقیق

بحث هدفمندکردن یارانه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که علت این اهمیت به دلیل مماس شدن آن با زندگی مردم جامعه و تأثیر مستقیم آن بر همه خانوارها و بخش‌های اقتصادی کشور برمی‌گردد. به طور کلی می‌توان سه هدف کلی برای هدفمندسازی یارانه برشمرد که عبارتند از: اصلاح ساختارهای تولیدی، مدیریت مصرف انرژی در کشور و توزیع عادلانه یارانه‌ها.

اولین مورد که در واقع مهم‌ترین هدف هدفمندسازی یارانه‌ها محسوب می‌شود، همان‌طور که ذکر شد بحث اصلاح ساختارهای تولید می‌باشد. تولید در کشور ما بر اساس انرژی ارزان شکل گرفته است. دلیل آن هم ارزان بودن منابع انرژی می‌باشد. در این بین می‌توان به تولید برق در کشور اشاره کرد که بیشتر با استفاده از انرژی گاز و گازوییل که ارزان هستند تولید می‌شود. طبق آمار، تولید برق در کشور با روش برق‌آبی در حد ۷ درصد می‌باشد. متأسفانه ما از انرژی‌هایی مثل باد، خورشید و زمین‌گرمایی بهره‌ای نبرده‌ایم و فقط به دنبال انرژی‌های ارزان‌قیمت بوده‌ایم، حال آن که این انرژی‌ها ارزان نیستند و برعکس بسیار ارزشمند هستند، ولی ما آنها را ارزان تلقی کردیم.

در حال حاضر بخش اعظم صنایع ما از گاز به عنوان سوخت اصلی استفاده می‌کند و در واقع تا حدی از توان رقابتی برخوردار است. تولید پتروشیمی در کشور ما بسیار باصرفه است، چراکه خوراک آن گاز مجانی می‌باشد. بسیاری از کارخانه‌ها در کشورهای خارجی به خاطر انرژی‌بر بودن بیش از حد تکنولوژی و فرآیند تولیدشان، این تکنولوژی تولید را از رده خارج می‌نمایند، حال آن که متأسفانه ما تازه این تجهیزات و ماشین‌آلات را وارد کشور می‌نماییم و به صورت کاملاً غیراقتصادی از آنها استفاده می‌کنیم که نشان‌دهنده عدم توجه به ارزش انرژی در ایران است.

اگر بخواهیم مزیت‌های کشور را در تولید و صادرات شناسایی کنیم، به دلیل ارزان بودن انرژی در بسیاری از موارد دچار خطا خواهیم شد و در نتیجه نمی‌توان برنامه‌ریزی درستی برای رشد و توسعه مستمر کشور ارایه داد. همچنین زمانی که بخواهیم مشکلات و معضلات ساختار تولید را اصلاح کنیم، نیازمند واقعی شدن قیمت‌های انرژی هستیم تا با روشن شدن